



گم کردن سوراخ دعا!

وصف حال زنان فمینیست سوئدی در کمپین حجاب!

صفحه 2

آذر ماجدی



کمپین حجابداران

و واکنشهای آن

صفحه 6

شهلا نوری



ادعاینامه یک زندانی سیاسی کمونیست!

"نگ" کی؟

نگ رژیم اسلامی یا ننگ سازمان اکثریت؟!

صفحه 4

سیاوش دانشپور



تصور کنید که در مقابل تعرض راسیستی به زنان منتسب به مسلمان تمام زنان در دنیا محجبه میشدند! چقدر "روح" بن لادن شاد میشد و تا چه حد استخوانهای ولتر و روسو و دیدرو در گور میلرزید!

این مسلمان نمایی در دفاع از تبعیض نیست، محصول تخریب راسیستی "اسلاموفوبی" و نسبییت فرهنگی است. محصول نقد وارونه راسیسم به زبان راسیستی "اکثریت"، سفید در مقابل "اقلیت" مهاجر است!

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



گم کردن سوراخ دعا!

وصف حال زنان فمینیست سوئدی در کمپین حجاب!

آنر ماجدی

درآمد؟ آیا این شیوه موثرترین و پیشروترین شیوه دفاع از آزادیخواهی، برابری طلبی و حقوق انسانی است؟ پاسخ به هر دو سوال منفی است. نه تنها ضرورتی به انجام این کار نیست، بلکه در بسیاری موارد از جمله موارد بالا این کار نه تنها پیشرو نیست، بلکه تأیید عقب ماندگی، زن ستیزی و یا تعصبات ملی - مذهبی است. مساله اینجاست که جریانات پوپولیستی که به این مد روی آورده اند، خود را شبیه تمام قربانیان تبعیض و سرکوب نمی کنند، آسانترین ها را انتخاب می کنند! آن موضوعی را برمیگزینند که جنجال برانگیز است و سر و صدا براه می اندازد. محتوای کار و تأثیر واقعی عمل برایشان اولویت ندارد، اینکه عکس و اسمش پخش شود برایشان دارای اولویت است.

از اینرو در دفاع از کارگران بنگلادش، پاکستان، هند، ویتنام و کامبوج که در شرایط برده وار مورد وحشیانه ترین استثمار قرار می گیرند و هر چند ماه یکبار ده ها تن شان بر اثر آتش سوزی یا ریختن ساختمان محکوم به مرگ می شوند، هیچیک از اینها بفکرش خطور هم نمی کند که به شکل آنها درآید یا شرایط زیست و کار آنها را برای یک هفته هم تجربه کند. امری که مورد تأیید ما بعنوان یک راه مقابله با این بردگی عریان نیست. در دفاع از قربانیان برده داری نوین که چند ده میلیون انسان را در کام خود گرفته است، این مبارزین مد روز ما حتی لحظه ای هم فکرشان را خسته نمی کنند که چگونه می توان همین شیوه را در دفاع از آنها بکار بست. در دفاع از زنان و مردان زحمتکش و آزادیخواه در مصر و تونس و سوریه که هر روز دارند با گرگان وحشی سرمایه داری از نوع اسلامی یا آمریکایی دست و پنجه نرم

صفحه 3

خواهرانشان" مورد تحسین قرار می دهند. یک زن جوان در مصر بعنوان اعتراض به اسلامی گری و زن ستیزی حاکم در جامعه، عکس لختش را در دنیای مجازی منتشر می کند، تعدادی فمینیست یک تقویم درست می کنند و عکس های لختشان را در آن بچاپ می رسانند. رسانه های اسلامی و ملی - اسلامی به یک زن هنرپیشه ایرانی برای شرکت در یک ویدیوی هنری - بازرگانی با نیم تنه برهنه بد و بیراه می گویند، باز این فمینیست ها ویدیویی از نیم تنه برهنه شان را در یوتیوب می گذارند. رژیم اسلامی تعدادی مرد را بجرم اوپاش در خیابان های مریوان با لباس زنانه کردی می گرداند، خود زنان مریوان با جسارت به خیابان می آیند و اعتراض می کنند، اما ناسیونالیستهای قومپرست و یک عده چپ با گرایش به "حزب باد"، لباس زنانه کردی می پوشند و از خود عکس می گیرند و در فیس بوکشان می گذارند .

این مد جدید مبارزه پوپولیستی است که متأسفانه به یمن وجود سایت های اجتماعی و اینترنت با استقبال روبرو شده است. برخی با هدف معین سیاسی و جا انداختن سیاست متبوعشان دست به چنین اقداماتی می زنند و برخی از روی سطحی گری و ظاهر بینی بدنبال این روند می افتند. مبارزه از طریق فیس بوک کم هزینه، بی دردسر و جذاب است. و این آفتی است که بجان مبارزه جدی آزادیخواهانه و برابری طلبانه علیه ارتجاع قوی و حاکم افتاده است.

آیا باید هم شکل جماعت شد؟

آیا برای دفاع از یک قربانی ارتجاع، راسیسم، زن ستیزی و تبعیض باید عین حرکت او را تکرار کرد یا به شکل او

یک زن مسلمان با حجاب در استکهلم مور حمله وحشیانه یک نژاد پرست قرار گرفته است. طبق گزارشات مختلف حملات نژاد پرستانه علیه مسلمانانی که مظاهر اسلامی دارند افزایش یافته است. قطعاً باید با قاطعیت علیه نژاد پرستی مبارزه کرد. باید از آزادی بیان، ابراز وجود و پوشش دفاع کرد. این دو اصل مهم و تخطی ناپذیر انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی است. اما زنان فمینیست سیاستمدار سوئدی از جمله رهبر حزب سبز و رهبر حزب ابتکار فمینیستی سوراخ دعا را گم کرده اند. دفاع از حق یک انسان برای اعتقاد به هر مذهب و خرافه ای و در ابراز وجود (در اینجا حجاب بر سر کردن) و مقابله با حملات دست راستی نژاد پرستانه و بعضاً فاشیستی علیه مسلمانان با مظاهر اسلامی را با تأیید گذاردن بر یک سمبل ارتجاع، زن ستیزی و در دوره معاصر بر بیرق یک جنبش سیاه ارتجاعی یعنی اسلام سیاسی یکی گرفته اند. این یک اشتباه محض است. ما در این نوشته وارد این مساله نمی شویم که آیا این حرکت ناشی از اپورتونیزم سیاسی آنهاست یا از عدم درک تفاوت این دو مقوله نشات گرفته است.

تازگیها مد شده است که در دفاع از حرمت یا حیات یک فرد یا از حقوق مدنی و سیاسی یک گروه اجتماعی، مدافعین خود را به شکل موضوع حمله در می آورند. رژیم اسلامی با هدف تحقیر یک فعال دانشجویی مرد، عکس او را با روسری منتشر می کند، مردان ملی - اسلامی روسری بسر می کنند و عکس خود را در فیس بوک منتشر می نمایند و زنان ملی - اسلامی آنها را برای "برسمیت شناسی و دفاع از مادران و

برابری بیقید و شرط زن و مرد همین امروز!

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با طرح تز دو قطب تروریستی و لزوم مبارزه با هر دو و ایجاد و سازماندهی یک قطب سوم، قطب بشریت آزادیخواه و متمدن آنرا بسط داده ایم. ما کوشیده ایم یک خط سیاسی منسجم و پیشرو و آزادیخواهانه را دنبال کنیم. باید از قربانیان راسیسم و تبعیض، متعلق یا منتسب به هر نژاد، ملیت، مذهب و یا گروه اجتماعی و سیاسی، قاطعانه دفاع کرد. اما در عین حال باید هوشیار بود که بدام عقاید یا نظرات خرافی یا ارتجاعی قربانیان نیافتاد.

متأسفانه باید اعلام کنیم که اگرچه نیات فمینیست های سوئدی در مقابله با راسیسم، نیاتی انسانی است؛ اما سیاست و روشی که اتخاذ کرده اند از همان سیاست راسیستی نسبت فرهنگی که بیش از دو دهه است از آن تبعیت می کنند، نشأت می گیرد. آنها نیز در اتخاذ سیاست انحرافی، راسیستی و ارتجاعی منسجم اند.

باید بکوشیم یک صف محکم علیه هر نوع ارتجاع، هر نوع راسیسم، هر نوع تبعیض انسانی، اجتماعی و سیاسی ایجاد کنیم.*

گم کردن سوراخ دعا!

وصف حال زنان فمینیست سوئدی در کمپین حجاب ...

نسبیت فرهنگی در شکل جدید!

ما این دیالوگ و نقد را اکنون نزدیک به دو دهه است که با جریانات نان به نرخ روز خور، فمینیستهای پست مدرنیست، چپ های "آنتی امپریالیست" و سکولارهای راست و دشمنان اسلام سیاسی که چشمشان را به قطب دیگر، به تروریسم دولتی بسته اند، داشته ایم. "دشمن دشمن من" لزوماً "دوست من" نیست؛ ما کوشیده ایم که این خرد روزمره را به یک خرد سیاسی در میان تمام جریاناتی که قلبشان برای انسانیت و آزادی می طبد، تبدیل کنیم. با افشای تز ارتجاعی و راسیستی نسبت فرهنگی در دهه ۹۰ میلادی ما این مبارزه را آغاز کرده ایم و

می کنند، یک آن به فکر هم شکلی و هم شیوه ای نمی افتند. فقط و فقط آسانها و هیاهو راه انداز ها را بر میگزینند و این پوپولیسم است در عصر اینترنت، یوتیوب و فیس بوک!

حجاب سمبل و ابزار بردگی!

این فمینیست های سوئدی حتی یک لحظه هم به ماهیت حجاب نمی اندیشند: اینکه حجاب ابزار و سمبل بردگی میلیونها انسان در جهان معاصر است؛ این واقعیت که یک جنبش وسیع در ایران اکنون بیش از سی سال است دارد با قربانی دادن علیه آن می جنگد؛ این حقیقت که در جهان اسلامزده زنان بسیاری به حجاب بعنوان یک طناب دار می نگرند و برای خلاصی از طوق آن به هر دری می کوبند؛ حجاب پوشش نیست. حجاب سند بردگی زنان و یکی از مهمترین ابزار زن ستیزی در بخش وسیعی از جهان است. پس برای دفاع از قربانیان راسیسمی که محیط مسلمان نشین را هدف گرفته است، راسیسمی که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بدنبال اعلام جنگ علنی دو قطب تروریستی، تروریسم اسلامی و دولتی، تشدید شده است، نباید مظاهر ارتجاعی را پذیرفت و بر آنها مهر تائید کوبید. باید از حق انسانی این افراد دفاع کرد. باید یک سنگر مهم علیه راسیسم و فاشیسم ایجاد کرد. اما در عین حال باید علیه مظاهر، عقاید و اعتقادات خرافی و ارتجاعی ایستاد و آنها را افشاء کرد.

راه مقابله با یک عقب ماندگی یا یک ارتجاع، افتادن به دامن یک ارتجاع دیگر یا تطهیر یک عقب ماندگی دیگر نیست. راه مقابله با ارتجاع و عقب ماندگی ایجاد یک صف محکم در مقابل هر گونه عقب ماندگی و ارتجاع است.

تلویزیون مدوسا

برنامه ای از آذر ماجدی

روزهای جمعه ها از ساعت 2 تا 3 بعدازظهر به

وقت اروپای مرکزی

کانال: KMTV مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

به دوستانتان اطلاع دهید!

آزادی زن نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

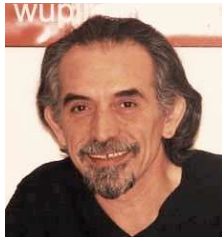
سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، مریم کوشا، سیاوش دانشور

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

ادعاینامه یک زندانی سیاسی کمونیست.



"نگ" کی؟

نگ رژیم اسلامی یا ننگ سازمان اکثریت؟!

سیاوش دانشور

قربانیان آشوبتس اسلامی در ایران را بسیج کنند تا با "اقامه دعوا" علیه پورمحمدی از فاشیسم اسلامی در جهان اعاده حیثیت کنند. اینها در دفاع از ننگ و جنایت شهره آفاق هستند. اینها برآستی در وقاحت سیاسی بی همتا هستند!

ابتدال، کلمه گویایی برای سیاست دفاع از رژیم جنایتکاران نیست. برای دفاع پایدار از حکومت جنایتکاران باید منفعتی پایه ای تر و قویتر وجود داشته باشد. منفعتی که بمجرد بقدرت رسیدن جناح متبوعشان در حکومت اسلامی عنان از کف می دهند. شما شعور زندانیان سیاسی و خانواده های جانبختگان و قربانیان این رژیم را دست کم گرفته اید. شاید هم نه، بحدی در ننگ غرق شده اند که "نگ" برایتان در تفاوت پورمحمدی و خامنه ای معنی میشود! راستی شما، با این کارنامه سپاه دفاع از حاکمیت جنایتکاران، چطور میتوانید شب را با وجدان راحت سر به بالین بگذارید؟

واقعا چه کسی از شما قبول میکند که در دنیا راه بیافتد که "ارگانهای بین المللی" این جناب پور محمدی را تحریم کنید اما با دولت روحانی و ولی فقیه همکاری کنید؟ چه کسی از شما قبول میکند که پورمحمدی جلاد است و رئیس پور محمدی آخوند معصوم و "نماینده تغییر"؟ چه کسی از شما قبول میکند که تنها "مشکل" جمهوری اسلامی پورمحمدی است؟ مردم یا باید مشاعرشان را از دست داده باشند یا مثل شما در بقای ننگ جمهوری اسلامی منفعتی

صفحه 5

جنیش ملی اسلامی که مدافع جمهوری اسلامی اند، "نگ"، آنهم اخیرا، صدارت یک جانی بر وزارت دولت "اعتدال" است! دقت کنید، وجود پورمحمدی در دولت احمدی نژاد برای ملی اسلامیه "نگ" نبود اما در دولت روحانی "نگ" است. این همان رژیم است. وزارت دیروز وی کمپین و جست و خیزی لازم نداشت اما امروز لازم دارد! چرا؟

چون خود این آقایان مدافع فالانژ و دو آتشی تنگین ترین جنایتکاران جمهوری اسلامی بوده اند. اینها زیر پرچم خمینی فراخوان مسلح کردن سپاه پاسداران به سلاحهای سنگین را دادند تا انقلابیون را بخون کشند. اینها همکار لاجوردی جلاد بودند. اینها اعداهای صحرایی خلخالی جلاد را "اقدام انقلابی" علیه "ضد انقلاب" نامیدند. اینها در دوره خاتمی مخالفین انقلابی و کمونیست جمهوری اسلامی را "همکاران شریعتمداری" نامیدند. اینها دیدند و شنیدند که به دختران انقلابی زندانی قبل از اعدام تجاوز میکردند و هنوز از این رژیم دفاع میکردند. اینها حتی در زندان جمهوری اسلامی در به تله انداختن و زیر اعدام بردن زندانیان کمونیست فعال بودند. اینها صدها قلم جنایت دیدند، حتی از دوستان خودشان را کشتند، اما باز هم از این رژیم دفاع کردند. سیاستی که سازمان اکثریت و حزب توده داشت شرکت مستقیم و غیر مستقیم در جنایت بود. اینها هنوز خاتمی و روحانی جنایتکار را "رئیس جمهور منتخب" مردم ایران می نامند و در دفاع از آن دست و پای همدیگر را لگد میکنند. اینها میخواهند اردوی

بدنبال منصوب کردن مصطفی پورمحمدی به عنوان وزیر دادگستری دولت روحانی، اخبار روز از سایتهای سازمان اکثریت، فراخوان کمپینی را با عنوان "با این ننگ چه باید کرد؟! متهم به جنایت علیه بشریت در جایگاه وزارت" منتشر کرده است. *

در نگاه اول بنظر میرسد که برگماردن یک جنایتکار به ریاست وزارت دادگستری قلب این تازه دمکراتهای آخوند مسلک و اسلام زده را شکسته است و تلاش دارند در مقابل این اقدام کاری بکنند. اما وقتی دقیق تر میشوید، میبیند مسئله این حضرات برگماری پورمحمدی نیست بلکه دردشان اینست که از این دریچه سیاست کثیف دفاع از رژیم جنایتکاران را رفع و رجوع کنند. در این مورد معین هم، سازمان اکثریت بدنبال سیاست سه دهه دفاع از جمهوری اسلامی، میخواهد با کمپین راه انداختن و خرج کردن از حرمت و تاریخ مبارزین سیاسی و انقلابی به رژیم پورمحمدی ها سرویس دهد.

بعنوان یک زندانی سیاسی کمونیست و کسی که زخم جمهوری اسلامی بر تن و قلب ام حک شده است، مایلیم پاسخ این عوامفریبی سازمان اکثریت را بدهم.

"نگ" البته در فرهنگ لغات سیاسی جنبشهای سیاسی و طبقاتی معنی یکسانی ندارد. برای آزادیخواهان و انقلابیون نفس این حکومت ننگ بشریت است. برای سازمان اکثریت و

اسلام ضد زن است!

شورمندانانه از او دفاع کرد و مجلس شورای اسلامی به پورمحمدی رأی داد.

برای مدافعان حقوق بشر و همه کسانی که می‌کوشند فاجعه کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ و به ویژه سال ۱۳۶۷ به فراموشی سپرده نشود، راهی جز اقدام مشترک برای پیگرد قضایی و تحریم سیاسی وزیر دادگستری جدید جمهوری اسلامی باقی نمانده است. ما از همه شاهدان جنایات پورمحمدی در دهه ۱۳۶۰، زندانیان سیاسی پیشین، خانواده‌های جان باختگان در کشتار ۶۷، گروه‌ها و جمعیت‌های مدافع حقوق بشر، سازمانهای سیاسی آزادیخواه و دمکرات و همه کسانی که حاضر نیستند حضور نمادین چهره‌ای مانند پور محمدی در دولت ایران را بپذیرند دعوت می‌کنیم برای اعتراض به این دهن‌کجی آشکار به وجدان و شعور مردم ایران، دست به دست هم دهند و نزد ارگانهای بین‌المللی علیه وزیر دادگستری جمهوری اسلامی اقامه دعوا کنند. از آنجا که دادگاه بین‌المللی حقوق بشر معمولاً بر اساس تقاضای دولتها فعال می‌شود، مراجعه مشترک و پربازتاب به دولتهای مختلف ضروری است. این دولتها تنها به اقدام مشترک و متحد واکنش نشان خواهند داد. ما به سهم خود آماده‌ایم امکانات رسانه‌ای خود را در اختیار کمیته‌ی به منظور پیگرد قضایی و تحریم سیاسی وزیر دادگستری جمهوری اسلامی قرار دهیم.

"نگ" کی؟

نگ رژیم اسلامی یا نگ سازمان اکثریت؟! ...

روتوش کنید. اگر میخواهید خدمتی به مردم ایران بکنید، واقعا باید کرکره این سازمان بدنام را پائین بکشید و به فکر یک زندگی شرافتمندانه باشید.

* ضمیمه: یادداشت سایت اخبار روز

با این نگ چه باید کرد؟!

متهم به جنایت علیه بشریت در جایگاه وزارت

سه‌شنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۲ - ۲۰ اوت ۲۰۱۳

اخبار روز: پس از معرفی مصطفی پورمحمدی به عنوان وزیر دادگستری دولت روحانی، بسیاری از زندانیان سیاسی پیشین، بازماندگان جان باختگان دهه ۱۳۶۰ و نیز جمعیت‌ها و گروه‌های مدافع حقوق بشر مانند سازمان دیده بان حقوق بشر خواستار تجدید نظر رئیس جمهوری اسلامی ایران در این برگماری شدند. علیرغم این اعتراضها، حسن روحانی

داشته باشند تا نیروی کمپین اعتراض به برگماری پور محمدی شوند؟ مردم باید اکثریتی شده باشند تا وزارت بیدادگستری اسلام را "عدالتخانه" فرض کنند و انتظار صدارت فردی "عادل" را در مصدر آن داشته باشند!

آقایان احمدی و تابان! سازمان اکثریت! ملی اسلامی‌های مدافع رژیم اسلامی در کسوت جمهوریخواه!

معضل شما پورمحمدی نیست. خودتان هم میدانید. ای کاش علیه جنایت و جنایتکار و رژیم جنایتکاران بودید. معضل شما دفاع از رژیم جنایتکاران بزعامت خامنه‌ای‌ها و روحانی‌ها است که حتی در سازمان و جنبش خودتان مسئله ساز شده است. معضل شما تداوم دفاع آگاهانه از جمهوری اسلامی است. پورمحمدی اسم شب این سیاست‌نگین است. شما فریاد "ای دزد ای دزد" سر میدهید تا کراحت سیاست دفاع از رژیم جنایتکاران را

زن و سرمایه داری

نفس ستمگشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی‌حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام‌ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی انسان‌ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد تعطف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش‌های محروم‌تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج‌کننده، برکات ستمگشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انبساط سرمایه در نیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی‌نشیند.

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!



عقب مانده "اقلیت" های غیر اروپایی در دل جامعه "اکثریت" سفید و اروپایی بیار نمیآورد." (برگرفته از اسلام و حقوق کودک به قلم منصور حکمت).

<http://www.m-hekmat.com/fa/1035fa.html>

در جامعه سوئد نژادپرستی و اسلام سیاسی دوشادوش هم رشد کرده و رشد می کنند. از طرفی ابراز انزجار و تنفر از سمبل های ویژه از جمله حجاب اسلامی دست راسیستها را بازتر کرده، از طرف دیگر هر ذره از پیشروی راسیسم موجود موجبات پیشروی اسلام سیاسی و احکام ارتجایی آنرا فراهم می کند. شدت یافتن خشونت خانگی، جدا سازی مدارس، قتل ناموسی، حجاب کودکان و محروم کردن دختران از ابتدایی ترین حقوقشان فقط بخشی از عواقب رویارویی این دو نیروی ارتجایی است. بحث "آزادی انتخاب" حجاب اسلامی و "حق دمکراتیک" زنان از طرف نیروهای اسلامی کاملاً ناقض حقوق دمکراتیک زنان در یک جامعه آزاد است.

بهتر است گودرون شیمن، رهبر حزب ابتکار فمینیستی که از سردمداران این کمپین اخیر است، و جوانان حزب چپ دست از سیاست پوپولیستی خود بردارند و بجای این شعبده بازیها از کمپین ممنوعیت حجاب کودکان دفاع کنند. *

کمپین حجابداران و واکنشهای آن

شهلا نوری

داده است، برخی جریانات فمینیستی یا چپ به تائید و سازش با جنبش اسلامی روی می آورند. این فمینیستها از یک طرف از برابری زن و مرد صحبت می کنند و از طرف دیگر از مذهب که یک بخش جدایی ناپذیر ایدئولوژی ارتجایی و زن ستیز است، دفاع می کنند. رئیس معروفترین جریان فمینیستی سوئد برای چند ساعت محجبه می شود بدون اینکه ذره ای از درد و رنج زنانی را که مجبور به حفظ حجاب خود برای حفاظت از بیضه اسلام هستند را درک کند. اینان که بخشا سکولار و آنتیست هم هست، آیا از سرکوب و بیحقوقی زنان تحت حکومتهای اسلامی باخبرند؟ اینها خوب می دانند که پیشروی اسلامیتها دست نژادپرستان را بازتر می کند، اما باز در دفاع از حق زن مضروب به اسلامیتها باج می دهند. این سیاستمداران فریبکاری و مظلوم نماییهی جنبش اسلامی را خوب می شناسند، اما باز به آن تسلیم می شوند.



نسبیت فرهنگی و راسیسم دو روی یک سکه

تفکر ارتجایی نسبیت فرهنگی که آنزوی سکه راسیسم است "پوششی است برای ایجاد یک آپارتاید همه جانبه اجتماعی، حقوقی، فکری، عاطفی، جغرافیایی و مدنی میان ساکنین یک کشور اساساً برحسب نژاد و قومیت و مذهب، و نتیجه ای جز ایجاد جوامع کوچک و در خود و

روز شنبه ۱۷ اوت ۲۰۱۳ یک زن حامله محجبه در شهر فارشنا، نزدیک استکهلم در سوئد، مورد حمله ضاربی ناشناس قرار گرفت. گفته می شود ضارب حجاب زن را پایین کشیده و او را مورد ضرب و شتم قرار داده است. این خبر بسرعت پخش شد و تعدادی از فمینیستها و زنان سرشناس، تعدادی نماینده پارلمان و چهره های تلویزیون از مردم خواستند که از روز دوشنبه با حجاب اسلامی در محل کار خود حاضر شوند تا بدین وسیله هم از زن محجبه مضروب دفاع کنند و هم از آزادی مذهب و حق استفاده از حجاب. این کمپین با استقبال زیادی از جانب مردم روبرو نشد، اما رسانه های سوئد به آن پوشش خبری دادند. در این میان مباحثی مطرح شد که قابل توجه است. از جمله بحثی مطرح شد مبنی بر اینکه هدف بظاهر خیرخواهانه و انساندوستانه فراخوان دهنده گان این کمپین بیش از اینکه حمایت از زن مضروب باشد جلب رأی مسلمانان مقیم کشور سوئد برای انتخابات سال آینده است.

قبل از هر بحث و نقدی در مورد این کمپین و حرکت فمینیستی، باید اعلام کنیم که حمله راسیستی به این زن محجبه کاملاً محکوم است. حق آزادی مذهب، عقیده، بیان، ابراز وجود و پوشش باید کاملاً برسمیت شناخته شود و حملات راسیستی به مردم منتسب به مسلمان یا محیط های مسلمان نشین باید شدیداً محکوم شود. اما این حرکت فمینیست ها در سوئد عملاً تائید زن ستیزی اسلامی است. در حالیکه جنبش خلاصی از مذهب و ارتجاع منتج از آن، بویژه اخیراً در خاورمیانه و شمال آفریقا مبارزات وسیعی را علیه جنبش اسلامی و تحمیل سنن اسلامی بر جامعه و زنان سازمان

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

نگهداری از فرزندان بر زنان در شرایط کنونی، ورود زنان به فعالیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی در خارج خانواده را تسهیل میکند.

5- لغو کلیه قوانین و مقررات و راه و رسم های دست و پاگیر و عقب مانده اخلاقی، فرهنگی و ناموسی که نافی استقلال و اراده مستقل زن و شخصیت او بعنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. لغو هر نوع محدودیت بر حق سفر و نقل مکان زنان، اعم از مجرد و متأهل، در داخل و خارج کشور، به میل و اراده خود. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که آزادی زنان در انتخاب لباس و پوشش، انتخاب شغل و معاشرت را مقید و محدود میکند. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در موسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح. ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، بانو، خواهر و هر لقبی که زن را به اعتبار موقعیتش در قبال مرد تعریف میکند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی زنان. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با زنان در نهادها و موسسات اجتماعی. ممنوعیت قید جنسیت در آگهی های شغلی. حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیر آمیز نسبت به زنان از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجانیدن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه. ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به زنان.

6- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد. *

برابری زن و مرد،

ممنوعیت تبعیض بر حسب جنسیت

از برنامه یک دنیای بهتر

تحقیر و خشونت علیه زنان و دختران در خانواده.

4- برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان. لغو هر نوع محدودیت بر تصدی مشاغل و حرفه های مختلف توسط زنان. برابری کامل زن و مرد در کلیه امور مربوط به دستمزد، بیمه ها، مرخصی ها، ساعات و شیفت کار، تقسیم کار و طبقه بندی مشاغل، ارتقاء شغلی، نمایندگی کارگران در سطوح مختلف. تصویب و اجرای مقررات و موازین ویژه در بنگاه ها برای تضمین ادامه کاری حرفه ای و شغلی زنان، نظیر ممنوعیت اخراج زنان باردار، ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار و وجود تسهیلات ویژه مورد نیاز زنان در محل کار. ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد. تشکیل هیات های بازرسی و کنترل، با وظیفه نظارت بر اجرای تعهدات فوق توسط بنگاه ها.

تشکیل مراجع تشخیص و حکمیت در مورد برابری حقوق زن و مرد در اشتغال حرفه ای و محیط های کار اعم از دولتی و غیر دولتی و انتفاعی و غیر انتفاعی. تعقیب قانونی و مجازات سنگین بنگاه ها و مدیرانی که از اصل برابری مطلق زن و مرد در فعالیت حرفه ای تخطی کنند.

ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی که، با توجه به فشار یکجانبه کار خانگی و

رئوس قوانین و اقداماتی که باید هم اکنون بغوریت برای شروع رفع تبعیض بر زنان به اجرا درآید عبارت است از:

1- اعلام برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

2- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات سیاسی جامعه در سطوح مختلف. حق بی قید و شرط زنان به شرکت در انتخابات در کلیه سطوح و احراز و تصدی هر پست و مقام، اعم از سیاسی، اداری، قضایی، و غیره. لغو هر قانون و مقرراتی که حق زنان در شرکت برابر در حیات سیاسی و اداری جامعه را محدود میکند.

3- برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده. لغو امتیازات مرد بعنوان "سرپرست خانواده" و برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده. ممنوعیت تعدد زوجات. ممنوعیت صیغه لغو کلیه تعهدات انقیادآور زن به شوهر در شرع و سنن کهنه. ممنوعیت برقراری رابطه جنسی توسط شوهر با زن بدون تمایل او ولو بدون اعمال خشونت. اینگونه موارد باید در صورت شکایت زن بعنوان تجاوز جنسی توسط شوهر مورد پیگرد و محاکمه قرار بگیرند. ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به زن در خانواده. اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی،

به سازمان آزادی زن پیوندید!



خانه مدوسا،

دفتر سازمان آزادی زن در گوتنبرگ سوئد!

دفتر سازمان آزادی زن مکان مبارزه در جهت آزادی انسان، صرف نظر از جنسیت، مذهب و ملیت است. ما برای برابری کامل زنان و علیه هرگونه تبعیض مبارزه می‌کنیم. ما به دختران جوان و زنان کمک می‌کنیم تا در جهت ارتقای اعتماد بنفس خود و دستیابی به یک زندگی بهتر تلاش کنند.

خانه مدوسا مکانی است برای ملاقات پناهندگان جدید که تلاش می‌کنند با مسائل و معضلات خود از موضع یک شهروند سوئدی برخورد کرده و شرایط رشد و پیشرفت خود را در جامعه جدید فراهم کنند.

شما در خانه مدوسا امکان دستیابی به کلاسهای درسی متفاوت را خواهید داشت.

در خانه مدوسا امکان ملاقات با فعالین سیاسی اجتماعی و شرکت در سمینارها و کنفرانسهای مختلف نیز موجود است.

برای اینکه بتوانید اطلاعات خود را در عرصه های متفاوت سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و علمی بالا ببرید حتما به خانه مدوسا مراجعه کنید.

تلفن اضطراری خانه مدوسا برای همه زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند در دسترس است: 0737262622.

این امکانات بخشاً با همکاری اتحادیه آموزشی کارگران سوئد و کمک فعالین عرصه برابری زن و مرد صورت میگیرد.

برای اطلاعات بیشتر با تلفن 0709356418 تماس بگیرید.



محل خانه مدوسا
Linné gatan 21
Göteborg
Viktoriahuset
Tel. 0737262622



تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸،۳۰ بوقت
تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

کانال: KM TV

به دوستانتان اطلاع دهید!

زنده باد آزادی زن!